



ویژگی‌های توصیف در کوش نامه

محمدنور قائدزاده خمیری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان. ایران.

مجید حاجی زاده (نویسنده مسئول)^۱

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان. ایران.

مریم غلامرضا بیگی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان. ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۵

چکیده

توصیف یکی از ابزارهای مؤثر در تصویر آفرینی و نوعی شیوه بیان است که به وسیله‌ی آن می‌توان اشیاء، افراد، رفتارها و صحنه‌ها را با کلمات آفرید. از آنجاکه وصف پیوندی استوار با نوع حماسی دارد به همین دلیل سراینده در حماسه خویش از آن برای تجسم بخشی و تصویر آفرینی بهره می‌برد زیرا عنصر توصیف وسیله‌ای است برای محسوس و ملموس تر کردن صحنه‌های متنوعی که در بستر شعر حماسی روی می‌دهد. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع توصیف در کوش نامه ایرانشان ابن ابی‌الخیر می‌پردازد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد موضوعات مختلفی چون طبیعت، اشخاص، امور انتزاعی، زمان، مکان، اشیاء، هدایا، میدان رزم و حیوانات در کوش نامه توصیف شده‌اند. برای نشان دادن قدرت توصیف‌گری گوینده منظومه، ابتدا به وصف‌های او از جنبه دستوری نگریسته و سپس به

تحلیل شگردهای دستوری شاعرانه پرداخته شده است. بسامد شگردهای دستوری نسبت به شاعرانه بیشتر است. از بین شگردهای دستوری، صفت دارای بیشترین بسامد است و از میان شگردهای شاعرانه، تشبیه بیشترین بسامد را دارد. علاوه بر این، در منظومه مورد پژوهش، شاعر گاه از چند شگرد وصفی در توصیف یک موضوع واحد استفاده می‌کند و گاه یک شگرد را به‌طور متوالی در توصیف موضوعات مختلف به کار می‌برد.

واژه‌های کلیدی: توصیف، کوش نامه، حماسه، شگردهای بیانی، ایران‌شان ابن ابی‌الخیر.

۱. مقدمه

در بحث انواع شعر به شعر روایی و نقلی برمی‌خوریم که از قدیمی‌ترین انواع شعر فارسی است و یکی از گونه‌های آن، روایت‌های ملی و حماسی است. «حماسه شعر بلند روایی است درباره رفتار و کردار پهلوانان» (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱) و «بیان راز و رمزهای موجود در اندرون روایت‌های باستانی» (سرامی، ۱۳۷۸: ۵۴). وقتی از حماسه سخن گفته می‌شود، سخن از امر مهمی است که همه افراد یک ملت در آن دخیل هستند. از همین روی است که حماسه‌های ملی ایران، «نتایج افکار و قریح و علائق و عواطف ایرانیان است که در قرون و اعصار برای بیان وجوه و عظمت و نبوغ قوم ایرانی به وجود آمده‌اند» (صفا، ۱۳۷۹: ۴-۵). قرن چهارم و پنجم قمری دوران شکوفایی حماسه‌های ملی است که شاهنامه فردوسی سرآمد همه آن‌ها است. منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه از این جهت اهمیت دارند که هرکدام علاوه بر اهتمام بر فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی، یکی از داستان‌های باستان را زنده نگاه داشته‌اند و به جهت اشتغال این آثار بر همه وجوه زندگی قوم ایرانی، سبب شده‌اند گونه‌های فراوان سخن در آن گزارده‌آید چون طنز، رجز، رثا، گفت‌وگو و وصف.

وصف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات ادبی، در لغت به معنی نشان دادن و شرح دادن (دهخدا، ذیل واژه) و در اصطلاح ادب تعریف و ویژگی برجسته از یک فرد یا شیء است (هوارد، ۱۳۸۴: ۱۰۵) که گوینده برای بیان تجسم و عینیت بخشیدن به آن ویژگی به کمک واژه‌ها نسبت به اشخاص، صحنه‌ها یا بیان احساسات انجام می‌دهد. در واقع «وصف، تصویر، خیال، عاطفه و احساس از عناصر بنیادین و سازنده شعر است» (ذوالفقاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۷). شاعر، واقعیت را به صورت تصاویر لفظی بازگو می‌کند و در وصف آنچه را که شاعر «با حس خویش دریافته است به وسیله شعر به غیر منتقل می‌کند

و شعر او در واقع ظرف حس اوست. خیال غیر را برمی‌انگیزد تا نظیر آن حس در وی پدید آید و بدین گونه شاعر خواننده را در تماشای آنچه نزد خویش جالب بوده است انباز و در نفس او تصرف می‌کند» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۴۴). «در نگرش سنتی، توصیف و تصویرگری در شعر و به‌طور کلی عمل شعری، شباهت بسیار با نقاشی و نگارگری دارد. شاعران و بلاغیون قدیم، همیشه شاعری را به نقاشی و نساجی و بافندگی تشبیه می‌کردند» (فتوحی، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱). از این روی وصف را می‌توان نقاشی و تابلوسازی دانست که «شاعر به مجسم نمودن مشهودات و محسوسات طبیعی و جسمانی می‌پردازد یا حالات روحی و تأثرات نفسانی خود را تصویر می‌کند» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۶). این نوع ادبی که مهم‌ترین و پراچ‌ترین فن به‌شمار می‌رود بخش مهمی از اهمیتش به سبب آن است که «باروح و طبع و ذوق و ابتکار شخصی شاعر ارتباط دارد» (همان: ۱۱۷).

با توجه به اینکه حماسه بر فضای خاص اساطیری استوار است، همین امر سبب می‌شود تا حوادث موجود در آن دارای نوعی غرابت و پیچیدگی گردد. از سویی وصف که در بیان و توضیح و روشن کردن مفاهیم مختلف نقش اساسی دارد، قسمت حذف‌ناپذیر متون حماسی می‌گردد و عناصر تشکیل‌دهنده آن، مانند تشبیهات و استعارات در حوزه عناصر مادی و ملموس قرار می‌گیرد چراکه پرداختن به وصف‌های غریب و نیازمند تأمل از صراحت و روشنی حماسه می‌کاهد؛ از این روی است که حماسه‌پرداز در اثر حماسی خود وصف را دست‌مایه القای اندیشه‌های خود در تبیین مضامین قرار می‌دهد و در نتیجه بهترین وصف‌ها را به کار می‌گیرد تا مناظری پویا و جاندار از صحنه‌ها و اشخاص مختلف را پیش چشم خواننده مجسم کند. از آنجاکه اشعار حماسی همراه با اغراق‌های شاعرانه نیز هست با تحریک عاطفه مخاطب ارتباط بیشتری با وصف‌های ارائه‌شده برقرار می‌کند؛ به عبارت دیگر شعر حماسی باید بیانی نمایشی داشته باشد زیرا «یکی دیگر از زمینه‌های ادبی زبان حماسی، بیان دراماتیک است، شاعر حماسه‌سرا باید بیانی نمایشی داشته باشد و تا می‌تواند سخن نگوید؛ بلکه نشان

دهد، به طوری که خواننده در حین خواندن شعر به راحتی بتواند صحنه‌ها را مجسم کند و حتی نقاش بتواند آن ابیات را به تصویر بکشد» (شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۷).

کوش نامه سروده ایرانشان ابن ابی الخیر، به تقلید از داستان‌های شاهنامه در قرن پنجم به رشته نظم در آمده است. سراینده در این منظومه حماسی، داستان کوش پیل دندان برادرزاده ضحاک را روایت می‌کند. هرچند عده‌ای این اثر را مانند بهمن نامه به حکیم آذری منسوب می‌کنند (صفا، ۱۳۷۹: ۲۹۸) اما مسلم است که «کوش نامه از ایرانشان ابن ابی الخیر است و آن را در آغاز سلطنت محمد بن ملک شاه یعنی ۵۰۰ و ۵۰۱ هجری» (همان: ۳۰۰) سروده است. در پیوند استوار وصف با تمام گونه‌های شعر و استوارتر با نوع حماسی سبب شده است تا سراینده در حماسه مذکور برای تجسم بخشی و تصویر آفرینی از آن بهره ببرد. از این روی بسیاری از وصف‌های موجود در این اثر از زبان افراد درون داستان و در سخن آن‌ها با یکدیگر بیان شده است زیرا «این گونه وصف کردن مخاطب را بیشتر از خویش و می‌کند و باعث می‌آید تا بهتر به تجسم صحنه‌ها، اشخاص، کردارها، ابزارها و اشیای متعلق به داستان دست یابد» (سرامی، ۱۳۷۸: ۳۱۷). با توجه موضوع این مقاله یعنی بررسی ویژگی‌های وصف در کوش نامه، کوشیده شده است تا این موضوع و انواع توصیف و فن‌های آن در این منظومه مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این نوشتار جمع‌آوری شواهد و امثال شعری منظومه کوش نامه، طبقه‌بندی، دسته‌بندی و تحلیل آن‌ها و در پایان نتیجه‌گیری است. ابتدا قبل از بحث و بررسی وصف در کوش نامه به اختصار به بیان دیدگاه‌ها درباره توصیف پرداخته می‌شود.

۱-۱. اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش، بررسی ویژگی‌های توصیف در منظومه کوش نامه است و اهداف جزئی آن عبارت از تبیین انواع توصیف و دسته‌بندی و تحلیل آن‌ها در جهت فهم و درک بهتر کوش نامه و بررسی شگردهای توصیفی گوینده در این اثر که شامل شگردهای دستوری و شاعرانه می‌شود.

۱-۲. روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی است و داده‌ها با استفاده از تکنیک محتوا و به شیوه کتابخانه‌ای بررسی می‌شود. محدوده جامعه مورد مطالعه، کوش نامه سروده حکیم ایرانشان ابن ابی الخیر به کوشش جلال متینی است که توسط انتشارات علمی منتشر شده است.

۳-۱. پیشینه پژوهش و اهمیت و ضرورت تحقیق

درباره وصف در کوش نامه تحقیق مستقلی صورت نگرفته اما برخی اظهارنظرها و تحقیقات در حوزه وصف انجام شده است. صفا در بحث از خصایص فنی شاهنامه و برشمردن ویژگی‌های فنی آن، وصف را یکی از مسائل بااهمیت در شاهنامه می‌داند. از نظر او بهترین وصف آن است که در نظر خواننده مجسم و مشخص باشد و این نماینده کمال و قدرت شاعر در بیان مطالب است (صفا، ۱۳۷۹: ۲۳۲). سرامی درباره وصف در شاهنامه معتقد است وصف اجزای گوناگون داستان از زبان قهرمانان سبب خواهد شد تا داستان زنده و پویا باشد و خواننده و شنونده، قهرمان خود را بیشتر در فضای داستان حس کند (سرامی، ۱۳۷۸: ۳۱۷). حمیدیان به اهمیت توصیف در شاهنامه توجه کرده و معتقد است قسمت اعظم بار هر اثر ادبی بر دوش توصیف است. از نظر وی، تصویرگری زیرمجموعه توصیف و مقوم آن به شمار می‌رود (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۴۰۰). مقاله بلاغت و وصف در داستان سیاوش از تورج عقدایی به بررسی انواع وصف در صفت‌ها، قیدها و فعل‌های توصیفگر پرداخته است. از لحاظ کارکرد، وصف‌ها را به دودسته روایتگر و حماسی تقسیم می‌کند و از لحاظ محتوا، انواع توصیف‌های عینی و ذهنی را در داستان مذکور مورد بررسی قرار می‌دهد (عقدایی، ۱۳۹۴: ۱۱). در مقاله توصیف در داستان رستم و سهراب نوشته قدسیه رضوانیان و احمد احمدی شیخ‌لر، توصیف، گزاره‌ای پویا است و نه ایستا و ثابت که از منظرها و کارکردهای گوناگون قابل دسته‌بندی است. شکل توصیف و محتوا و کارکردهای آن، از سایر معیارهای دسته‌بندی مهم‌تر به نظر می‌رسد (رضوانیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷). در مقاله پژوهشی با عنوان وصف در خداوند نامه صبای کاشانی، نگاشته زهرا کریم زاده شوشتری، کاظم مهتدیانی و محمد کاظم کهدوئی، از وصف به عنوان ویژگی بارز خداوند نامه یاد شده است به گونه‌ای که وجود توصیفات منسجم و هماهنگ و گوناگون در خداوند نامه، نشان‌دهنده احاطه فراوان شاعر بر دقایق علوم بلاغی و دستور زبان است (کریم زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱-۳۲). در مقاله مذکور پس از بیان وصف‌های عینی و ذهنی در خداوند نامه، شیوه‌های وصف ابتدا از جنبه ساختار و سپس جنبه زیبایی‌شناسی آن بررسی شده است (همان، ۱۳۹۹: ۱۸). همه موارد یاد شده، نشان‌دهنده این است که

درباره موضوع در اثر مورد پژوهش، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و با توجه به عدم اهتمام ادبا به حماسه‌های پهلوانی پس از شاهنامه، شایسته است تا این گنجینه‌ها قدر نهاده شوند و با وجود آثار متعددی از این دست، از هر جنبه و بعدی بررسی گردند... گشایش هر رمزی، باز نمودن هر ویژگی، نقبی است به گذشته قوم ایرانی.

۲. وصف

شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری قمری از نظر وصف در یکی از غنی‌ترین دوران خود قرار می‌گیرد زیرا «مانند دو همزاد قدم در عرصه وجود نهاده و به موازات یکدیگر مراحل ترقی و کمال را پیموده‌اند» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۷). شاعران توانا در زمینه توصیف‌های عینی و محسوس، آثار برجسته‌ای به وجود آورده‌اند که این موضوع نشان‌دهنده گرایش شاعران توصیفگر به عینیت‌بخشی موضوع وصف است؛ چراکه هدف از توصیف، ارائه تصویر عینی از تجربه انسان نسبت به یک صحنه، شخص یا احساس از رهگذر واژه‌هاست. ارسطو در کتاب فن شعر در بحث انواع شعر، شاعران را نظیر نقاشان می‌داند چون «موصوف را به حد میانه یا بدتر و فروتر از آنچه هستند، توصیف می‌کنند» (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۱۱۴)؛ بنابراین شاعر با به کار بردن تمامی عناصر خیال در ارائه آن از طریق مهارت‌های بیانی به تصویرگری می‌پردازد تا جایی که حاصل و نتیجه نهایی فعالیت هنری او به توصیف ختم می‌گردد. ابن رشیق قیروانی معتقد است که کار اصلی شعر مربوط به وصف است و جز موارد اندکی هرچه در شعر مطرح می‌شود، وصف و تصویر آفرینی است. از نظر او توصیف مرحله کامل‌تری از تشبیه است و بهترین وصف مجسم نمودن صحنه است به حدی که خواننده بتواند آن را ببیند. به نظر او یک توصیف عالی بیش از هر چیزی برای شنونده باید دیدنی باشد (قیروانی، ۱۹۶۳: ۲۲۶). ابوهلال عسکری در الصناعتین وصفی را خوب و عالی می‌داند که توصیفگر بتواند موصوف را پیش چشم مجسم کند (عسکری، ۱۳۷۱: ۱۲۴). ابن خلدون نیز وقتی دوباره از شعر سخن می‌گوید آن را کلامی می‌داند که مبتنی بر استعاره و اوصاف باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

با توجه به اهمیت عنصر توصیف در ادبیات پر بار فارسی، شعرا و نویسندگان از توصیف به نحو قابل ملاحظه‌ای بهره برده‌اند. استفاده بسیار از توصیف و انواع آن در متون ادبی ما با سبک و نوع متن و دوره آفرینش اثر ارتباط دارد. همچنان‌که نکات دستوری و انشایی به‌عنوان ابزاری برای بیان توصیف استفاده می‌شود، صنایع بدیعی و بیانی نیز به‌عنوان شگردی برای بیان توصیفات کاربرد پیدا می‌کند؛

زیرا هرکدام از این فنون بیانی به‌عنوان زیرساخت توصیف، دارای اهمیت هستند. از همین روی در شعر حماسی، توصیفات با استفاده از ابزارهایی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و اغراق نمایانده می‌شود و صحنه‌های متنوع و مختلفی در بستر شعر حماسی روی می‌دهد که این ابزارها بیشتر با عناصر حسی و مادی نمود پیدا می‌کند و نه امور انتزاعی.

۲-۱. موضوعات توصیف در کوش نامه

در کوش نامه وصف گستره بسیاری دارد. هدف این بخش تبیین توصیفات ایرانشان ابن ابی‌الخیر از راه واژه‌های به‌کاررفته در اثر اوست. در این منظومه، سراینده به توصیف موضوعات مختلفی پرداخته که با توجه به حماسی بودن متن، بیشترین توصیفات مربوط به میدان‌های رزم است. بدین منظور، موضوعات توصیف‌شده در اثر مذکور نمونه‌وار بیان شده است. این موضوعات عبارت‌اند از:

۲-۱-۱. رزم:

بهترین توصیف‌ها در کوش نامه مربوط به صحنه‌های رزم است. دقت سراینده در توصیف میدان رزم چنان است که او با تخیل گسترده خویش به این صحنه‌ها جان می‌بخشد و در ترسیم و تشخیص این صحنه‌ها به حد غیرقابل‌توصیف از خود مهارت نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که از طریق تشبیه و مبالغه‌های شگفت‌انگیز، خروش اسب‌ها، فریاد دلاوران، گردوخاک سپاه، صدای برخورد سلاح‌ها، آوای طبل و بوق و تییره، رنگ آسمان و زمین چنان باهم ترکیب شده‌اند که اگر خود انسان در این صحنه‌ها حضور داشت نمی‌توانست به آن دقت و کمال، جریان رزم را دریابد.

۲-۱-۲. پهلوانان:

کوش نامه که در ردیف آثار حماسی فارسی است، از وجود پهلوانان بی‌بهره نیست و همه‌جا پر است از حضور آنان که در میدان‌های رزم پیش‌قدم هستند. پهلوانانی که در کوش نامه توصیف شده‌اند یا به‌صورت خاص از آن‌ها یاد می‌شود مثل کوش، قارن، نیواسب، سوار، قباد، مردان خورّه و نستوه یا با عنوان کلی گرد، سوار و یل به ایفای نقش می‌پردازند. در میان پهلوانان بانام، کوش با ۹۷ بیت، پربسامدترین و در بین عنوان‌های کلی، واژه سوار با ۳۹ بیت، پرتکرارترین است.

۲-۱-۳. شاهان:

در کوش نامه، شاه یکی از شخصیت‌های داستان است که با گفتار و کردار خود، روایت را پیش می‌برد. شاهانی که در منظومه مذکور به پیشبرد داستان کمک می‌کنند، عبارت‌اند از: آبتین، کوش، طیهور،

فریدون، تور، سلم، ضحاک، بهک، قراطوس، منوچهر و کارم. بیشترین توصیف شاه، مربوط به کوش است با ۱۲۳ بیت که در این متن شخصیت شاه و پهلوان دارد.

۲-۱-۴. طبیعت:

سراینده از طبیعت به عنوان منبعی عظیم در مثنوی خویش بهره مند گشته است. در توصیف آن، عناصری چون کوه، دشت و دریا وصف شده است. طبیعت در این منظومه به سی و چهار دسته تقسیم می شود که در میان آن ها شب با شصت بیت و بعداز آن، کوه با چهل و دو بیت پربسامدترین عامل طبیعی هستند.

۲-۱-۵. اشیا:

با توجه به حماسی بودن منظومه، وصف اشیا یی که در متن کوش نامه، به دسته هایی چون ابزار جنگی، ابزار پادشاهی، اشیا ی گران بها تقسیم شده است. بنابر اقتضای موضوع متن مورد پژوهش، بیشترین بسامد در این تقسیم بندی به ابزار جنگی با ۸۸ بیت اختصاص دارد که پربسامدترین آن شمشیر است با سی بیت.

۲-۱-۶. مکان:

در کوش نامه مکان هایی خاص مانند بسیلا، خمدان، مرزخوبآن که به طور مشخص نام برده شده، در بقیه موارد از آن ها با عنوان کلی چون شهر، خانه، شارستان، ایوان، گنبد و... سخن رفته است. پربسامدترین مکانی که به وصف آن پرداخته شده شهر است با ۳۲ بیت.

۲-۱-۷. حیوانات:

راوی برای پیشبرد روایت در این منظومه از حیوانات بهره برده است. حیواناتی چون اسب و پیل و شیر با بسامد بالایی در متن توصیف شده اند. دیگر حیوانات عبارت اند از: اژدها، نهنگ، پلنگ، گرگ، گور، عقاب و... اسب با ۳۴ بیت بالاترین بسامد را دارد زیرا اسب در متون حماسی از عناصری است که ضمن یاری پهلوانان در صحنه های نبرد، آنان را در رسیدن به پیروزی همراهی می کند.

۲-۱-۸. مفاهیم انتزاعی:

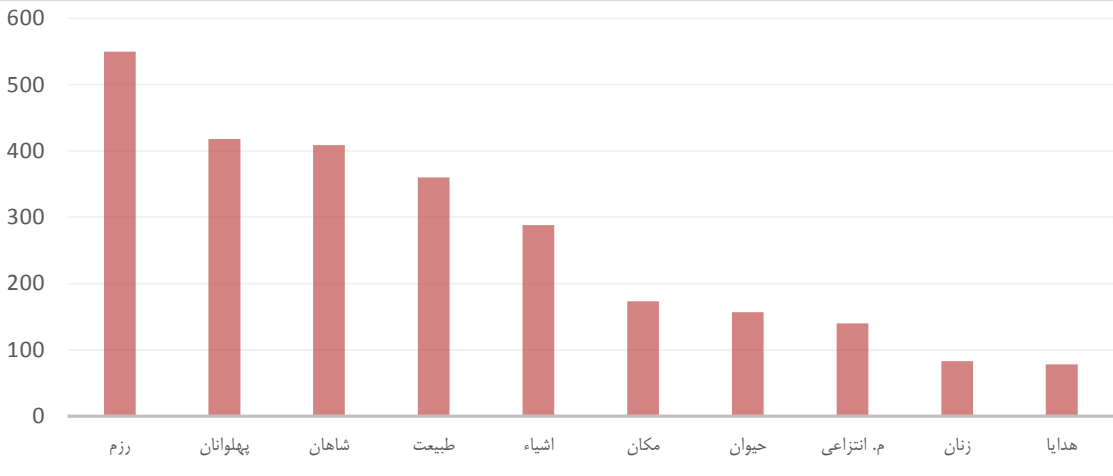
وجود چنین مفاهیمی در کوش نامه از دید شاعر پنهان نمانده و موضوع وصف واقع گشته است. واژه‌هایی چون بخت، سخن، کردار، گفتار، هوش، اندیشه، رای، خرد، مرگ، دانش و ... از مفاهیم انتزاعی هستند که در این متن توصیف شده است. از این میان بیشترین توصیف به بخت اختصاص دارد.

۹-۱-۲. زنان:

در این منظومه یکی از شخصیت‌های حاضر، زنان هستند. در کوش نامه، سه تن از زنان با نام ذکر شده‌اند: فرارنگ، نگارین و نوشین. در برابر این زنان نامدار، به زنان عادی نیز برمی‌خوریم که سراینده مانند زنان نامدار به وصف آن‌ها پرداخته است. به نظر می‌رسد در کوش نامه سرنوشت خاندان جمشید به دست زنان رقم می‌خورد و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد داستان دارند.

۱۰-۱-۲. هدایا:

در کوش نامه، وصف هدایا که بیشتر از زبان سراینده پرداخته شده از جنبه کمی و انبوهی توصیف شده است. در توصیف هدایا، شاعر در محور افقی، هدایای صامت و ناطقی را که به دربار شاهان پیشکش شده، وصف کرده است. در این اثر، یازده بار هدایا توصیف شده است. طولانی‌ترین وصف هدایا، هدایایی است که کارم پسر طیهور شاه نزد فریدون می‌فرستد.



نمودار شماره یک: میزان کاربرد موضوعات توصیف در منظومه کوش نامه

۳. بحث (متن)

۳-۱. وصف عینی و ذهنی

۳-۱-۱. وصف عینی:

در توصیف عینی، واقعیت پدیده‌ها همان گونه که در جهان عینی وجود دارد، توصیف می‌شود. گوینده به گونه‌ای موضوع را توصیف می‌کند که خواننده بتواند آن را پیش چشم خود مجسم کند. ابن ابی‌الخیر در توصیف خود به جهان خارج از ذهن نظر دارد. او تصاویر را از جهان خارج از ذهن می‌گیرد و در آن‌ها دخل و تصرف شاعرانه می‌کند. در کوش نامه اگرچه وصف ذهنی کم نیست، بسامد وصف عینی بسیار بالاست و این باهدف سراینده که وصف واقعیت‌هاست کاملاً منطبق است. برای نمونه: سواران پولادپوش (۱۱۰۷)، زرین ستام (۲۸۲۰)، رامشگر خوش‌سرای (۲۲۴۱)، گنبد زرنگار و ایوان گوهرنگار (۷۹۸۱)، شاه خورشید چهر (۸۲۷۷)، گرزه گاوپیکر (۹۱۷۴) و ...

۳-۱-۲. وصف ذهنی:

در این نوع توصیفات، وصف مناظر و واقعیت‌ها از ذهن شاعر اثر می‌پذیرد، گویی شاعر نمی‌خواهد چندان به واقعیت بیرونی پدیده توجه کند. توصیفات ذهنی، بیانگر واقعیت در پرتو حالت ذهنی شاعر هستند. «این نوع از وصف، تصویر عینی یا جزئیات دقیق چیزی را نشان نمی‌دهد و در واقع موصوف به‌طور کلی و مبهم وصف می‌شود» (بیشاب، ۱۳۷۴: ۹۹-۱۰۰). با توجه به این که کوش نامه اثری حماسی است و حماسه محصول روزگارانی است که هنوز ذهنیت انسان پیچیدگی نیافته و از عالم عینیات و محسوسات فاصله نگرفته، بسامد این نوع وصف نسبت به وصف عینی کمتر است. در ترکیب کامداد گزین، کامداد، از شخصیت‌های کوش نامه، باصفت گزین وصف شده است. شاعر با این صفت، به ویژگی‌های درونی و بیرونی او اشاره نکرده است بلکه خواننده، نگاه مثبت و تحسین‌آمیز سراینده را نسبت به وزیر آبتین درمی‌یابد. مخاطب با این گونه اوصاف، می‌تواند طرز تلقی و گرایش سراینده نسبت به موضوعات وصف بازشناسد. ترکیب‌های زیر نمونه‌هایی از وصف ذهنی است: شاه بافر و هوش (۲۰۱۶)، روی نازیب (۲۸۴۰)، باغ دلارای (۳۲۷۲)، پیر روشن‌دل و جان‌فزای (۴۴۴۸)، سواران گردنکش (۵۲۴۸)، گنج پرمایه (۸۱۷۵) و ...

۴. شگردهای توصیف

توصیف یکی از شیوه‌های بیان است که در قلمرو آن زبان ظرفیتی چشمگیر دارد. ابن ابی‌الخیر در کوش نامه نشان می‌دهد که با استفاده از صفت‌ها، قیدها و دیگر فنون بیانی می‌توان ظرفیت زبانی و بیانی

توصیف را بالا برد. شگردهای دستوری و شاعرانه در این منظومه از شگردهای کاربردی است. با توجه به چشمگیرتر بودن شگردهای دستوری، این گونه‌ی بیانی بررسی می‌شود.

۴-۱. شگردهای دستوری

شگردهای دستوری شامل انواع صفت، قید، مسند صفتی، جمله صلّه و ... است که آمار بالایی از شگردهای بیانی را به خود اختصاص داده است.

۴-۱-۱. صفت:

ایران‌شان در ساختمان ظاهری توصیف، گاه با آوردن صفت‌های مناسب برای اشخاص و چیزها، ویژگی‌های بارز آن‌ها را بیان می‌کند و تجسم می‌بخشد. صفت آوری در داستان کوش یکی از شگردهای کاربرد صفت در این داستان است. سراینده بدون کمک از ابزارهای بلاغی که خود جنبه تخیلی دارد با آوردن صفت به توصیف موضوعات می‌پردازد؛ چراکه او از ترکیب مجموع اجزای کلام «گاه فقط با سود جستن از صفت بی‌آنکه از نیروی خیال به معنای محدود آن که تشبیه و استعاره و انواع مجاز است یاری طلبد، این کار را می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۴۶۲). در این متن، گوینده در توصیف موضوعات گوناگون از انواع صفت مانند صفت یک واژه‌ای، صفت دو واژه‌ای، صفت و موصوف مقلوب و ... بهره برده است.

۴-۱-۱-۱. صفت یک واژه‌ای:

این نوع صفت، صفتی است که سراینده در بیان توصیفات خویش از یک صفت واژه بهره می‌برد؛ اعم از این که صفت ساده یا پیشوندی یا مرکب باشد. مخاطب با دیدن تنها یک صفت، رابطه و تناسب بسیار بین صفت و موصوف را درک می‌کند و از کشف این رابطه لذت می‌برد. در منظومه کوش نامه کاربرد این نوع صفت، بیشترین بسامد را در بین انواع صفت دارد که بیان‌گر قدرت توصیفی گوینده است زیرا توانسته است با آوردن یک صفت، مهم‌ترین ویژگی موصوف را نمایش دهد. برای نمونه، شگرد وصفی شاعر در بیت زیر استفاده از صفتی است که موسیقی واج‌ها و صنعت لفظی واج‌آرایی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند که این خود ناشی از کشش باطنی است که شاعر در کشف روابط صوتی واژه‌ها ایجاد می‌کند زیرا تجانس‌های صوتی در کلمات، سبب به وجود آمدن کشش در جذب حروف و صداها می‌شوند. کاربرد صفت فرخنده در کنار لحن فاخر حماسی، شگردی

است که به مقتضای روح حماسه ارتباط دارد و شاعر با این لحن، خواننده را به خوبی در جریان علاقه خود به شاه (فریدون) قرار می‌دهد:

میان دو لشکر چو شد به نام فریدون فرخنده
(ایرانشان ابن ابی الخیر، ۱۳۷۷: ۴۵۹)

در توصیف حیوانات در کوش‌نامه، اسب دارای بیشترین بسامد است و این موضوع، درجه اهمیت این موجود را بیشتر نمایان می‌سازد. شاعر در بیت زیر در توصیف اسبانی که فریدون به رسم هدیه به کوش می‌دهد آن‌ها را باصفت گردن‌فراز وصف می‌کند:

فرستاد نزدش زهرگونه ز دینار و اسبان گردن
ساز فرراز

(همان: ۵۴۰)

اسب مهم‌ترین عنصر جنگی در نبردهای حماسی است و حالت و رفتار آن نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت و تقدیر پهلوانان دارد و ضمن یاری پهلوانان در صحنه‌های نبرد، آنان را در رسیدن به پیروزی همراه می‌کند. از این روی باصفت ذکر شده، سراینده ارتباط تنگاتنگ چاپکی و پویایی اسب را با آینده قهرمان و جنگ گوشزد می‌کند.

در بیت زیر، دیو باصفت وارون موضوع وصف واقع شده است. وارونه کاری یکی از ویژگی‌های برجسته و شگفت دیو در کوش‌نامه است و از همین روی صفت زشت و اهریمنی کوش به دیو نسبت داده شده که برجستگی او، وارونگی است.

شدند آن همه کشور ایزد جهان از کف دیو وارون
پرست بجست

(همان: ۶۷۶)

۲-۱-۱-۴. صفت دو واژه‌ای:

صفت دو واژه‌ای صفتی است که شاعر به کمک دو واژه، موصوف را وصف می‌کند که گاه ویژگی‌های عینی یک پدیده را توصیف می‌کنند و گاه ترکیبی از ویژگی‌های عینی و ذهنی را نشان می‌دهند. در کوش‌نامه شاعر از صفت دو واژه‌ای به نسبت صفت یک واژه‌ای کم‌تر بهره برده است. او با استفاده از این شگرد در واقع توانسته است ابعاد بیشتری از واقعیت پدیده وصفی مور نظر را بیان کند:

شاعر در این منظومه از صفت مقلوب در توصیف موضوعات گوناگون بهره برده است. از آنجاکه متن مورد پژوهش اثری است حماسی، کارکرد این نوع توصیف سبب تقویت لحن حماسی می‌گردد. از این روی سراینده ضمن برشمردن ویژگی‌های بارز موضوعات وصف، تصویری دقیق از آن‌ها را بازمی‌نماید. کوش در نامه‌ای به طیهور شاه، او را این‌گونه وصف می‌کند:

بدان ای سرافراز شاه که من گشتم از رزم و
دلیر پرخاش سیر

(همان: ۴۱۳)

شاعر در بیت بالا شاه را باصفت مقلوب سرافراز و صفت بیانی ساده دلیر توصیف کرده که کاربرد صفت به این شکل از شگردهای وصفی شاعر حماسه‌سراست. یکی از ویژگی‌های شاه، سرافرازی است و صفت دلیری نیز وجود پویا و به‌دوراز رخوت شاه را نشان می‌دهد که بیان‌گر روحیه پرتحرک اوست. ابن ابی‌الخیر در بیت زیر در وصف گوهر از هدایای طیهور شاه به کوش می‌گوید:

بسی مایه ور گوهر گزین کرد و با این همه
شاهوار کرد بار

(همان: ۴۱۸)

تجسم لحن حماسی، لحن گوینده را نسبت به موضوع بیان می‌کند و از رهگذر واژه‌ها به ویژه اوصاف است که به خواننده انتقال می‌یابد. انتخاب صفت‌ها و چگونگی کاربرد آن‌ها، لحن حماسی حکیم ایرانیان را ترسیم می‌کند. در بیت بالا، شاعر با توصیف عینی، واقعیت گوهر را باصفت مقلوب مایه‌ور و شاهوار بیان داشته است. از آنجاکه جواهرات، مظهر شکوه دربارها، پهلوانان و شاهان است و در خزانه‌های شاهان جلوه‌گری می‌کند، گران‌بهای و نفاست آن در صفت مقلوب و مرکب مایه‌ور و شاهوار نمود یافته است.

یکی از کارکردهای پیل، حضور در سپاه و نقش آن در میدان نبرد است. از نکات درخور توجه درباره ظاهر پیل، اشاره به حالت ظاهری او است. موصوف در بیت زیر باصفت ژنده و ژیان توصیف شده است. هر دو واژه، هیبت و خشمناکی پیل را یادآور می‌شود تا سپاه خودی بدان پشت‌گرم و سپاه رقیب از آن در هراس باشند. در بیت مذکور به‌طور غیرمستقیم، قدرت و دلیری شاه را نیز القا می‌کند.

ببست آن کیانی کمر
نشست او بر ژنده
بر میان
پیل ژیان

(همان: ۴۵۵)

۴-۱-۱-۴. مسند صفتی:

داستان‌پرداز از صفت در شکل‌های دیگر بیانی‌اش مانند مسند صفتی و قید حالت در کارکرد صفت نیز بهره برده مانند توصیف در بیت زیر که مسند با ذکر فعل اسنادی به‌طور متوالی به‌کاررفته است. در بیت مذکور، تیره، مسند صفتی است که واقعیت میدان نبرد را با توجه به انبوهی سپاهیان و ابزار نبرد توصیف می‌کند. این واقعیت، بُعد دیگری نیز دارد و آن صدای به هم خوردن شمشیر رزم‌آوران است که باصفت خون‌خوار، بی‌رحمی جنگاوران را گوشزد می‌کند. ایرانشان در استفاده از یک صفت برای موضوعی خاص، به زمینه توصیف و سایر عناصر آن نیز توجه دارد و بدین شیوه است که با در نظر گرفتن این موقعیت‌ها، صفت مناسب را در توصیف موردنظر خود به کار می‌گیرد.

هوا تیره همچون شب
چکاچاک
شمشیر
تار بود
خون‌خوار بود

(همان: ۴۸۲)

در بیت زیر شاعر، حالت بهک، شاه‌چین را با مسند صفتی دژم که آشفتگی او را بیان می‌کند، توضیح داده است. دژم مسند صفتی است که نقش صفت را نیز به عهده دارد. دژم بودن شخصیت داستان، روزگار او را نیز نابسامان می‌گرداند. روزگار، امری انتزاعی است و دژم صفت آن. انتزاعی بودن موضوع توصیف و صفت، سبب ذهنی شدن توصیف‌شده است. مصراع دوم، جمله صله است که کارکرد صفتی آن در این توصیف آشکار است و به‌جای این صله، می‌توان صفت ستمکار را ذکر کرد.

دژم گشتم
از
که بارد بر این تخمه
چندین ستم
روزگار دژم

(همان: ۲۶۲)

۴-۱-۱-۵. جمله صله:

یکی دیگر از گونه‌های به‌کارگیری صفت در توصیف این است که کاربرد آن، تنها به آوردن صفت خلاصه نمی‌شود بلکه گوینده از صفت در شکل‌های دیگر سخنش به‌صورت جمله صله بهره می‌برد. در بیت:

پس آن پیر ملاح را پیش که برتنش جز پوست
خواند چیزی نماند

(همان: ۳۶۱)

شاعر با به خدمت گرفتن اغراق، پیام خویش را با تأکید و حالت عاطفی خاصی به مخاطب انتقال می‌دهد. استفاده از تکنیک جمله صله یکی از شگردهای ابن ابی‌الخیر در بیان توصیفات کوش‌نامه است. به این صورت که جمله یا جملاتی را به کار می‌برد که قابل تأویل به صفت است. کارکرد صفتی جمله صله در این توصیف به‌خوبی آشکار است و در واقع همچون صفت درباره موصوف توضیح می‌دهد. به‌جای این جمله‌واره پیرو وصفی، می‌توان صفت لاغر و نحیف را به کار گرفت. حماسه‌پرداز در توصیف موضوعات مختلف شعری از تکنیک جمله صله بهره برده است. در این بیت که موضوع توصیف، پهلوان است، جمله صله در جهت توضیح موصوف به یاری صفت بیانی آمده؛ بدین صورت که ابتدا موضوع با یک صفت توصیف‌شده و جمله صله که پس از آن آمده، توصیفی بدان افزوده است.

بدانست کان کوش گردنکش که در حمله ماننده آتش
است است

(همان: ۶۵۲)

در بیت زیر، جمله صله چگونگی کنش شخصیت قارن را به‌طور عینی توصیف کرده است، بنابراین کارکرد صفتی دارد. این جمله به‌طور ضمنی قارن را به کوه آهن تشبیه کرده و توصیفی شاعرانه ارائه داده است.

به دل گفت مانا که این قارن که گاه ستیزه گه آهن
است است

(همان: ۵۱۹)

در تعریف قید گفته‌اند: «قید چگونگی روی دادن فعل را بیان می‌کند و به فعل وابسته است. پس کلمه‌ای که معنی وصفی دارد اگر چگونگی اسم را بیان کند صفت است و اگر در بیان چگونگی فعل به کار رود، قید است» (خانلری، ۱۳۷۷: ۷۰)؛ اما نکته قابل توجه این است که قید علاوه بر بیان حالت وقوع فعل، زمان و مکان وقوع فعل را بیان کرده است و در توضیح صفت‌ها و دیگر قیدها نیز به کار می‌رود. ابن ابی‌الخیر از قید بیشتر برای تقویت فعل و به تصویر کشیدن حالات اشخاص استفاده می‌کند اما شم بلاغی او سبب شده است که با مقید کردن فعل به مفهومی خاص، به لحن حماسی خود جانی تازه ببخشد. در بیت زیر شاعر با استفاده از تکنیک بیانی قید به توصیف عملکرد شخصیت طیهور شاه پرداخته است. زار قیدی است که چگونگی فعل گریستن را نشان می‌دهد:

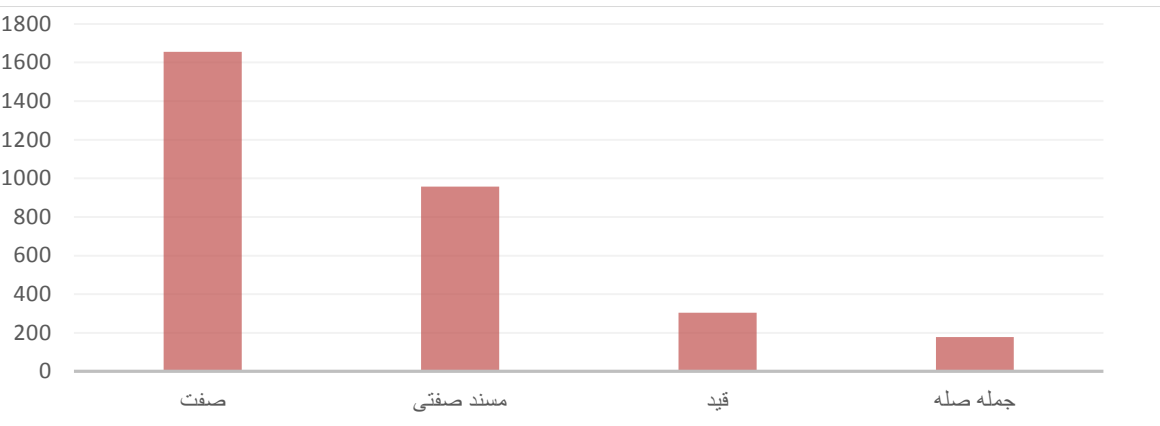
گرفت آن گهی هر دو را در فراوان بوسید و
کنار بگریست زار

(همان: ۳۶۳)

شگرد توصیفی شاعر در توصیف حالت قارن، استفاده از دو قید متوالی دمان و دنان است که نوعی هماهنگی موسیقایی در شعر ایجاد کرده است. این دو قید، قید حالت است که کارکرد صفتی پیدا کرده و حالت درونی و ذهنی پهلوان را نشان می‌دهد که در رفتار او بروز یافته است.

دمان و دنان برلب برافراخت یال و بدرید
آورده کف صف

(همان: ۶۲۱)



نمودار شماره دو: میزان کاربرد شگردهای دستوری توصیف در منظومه کوش نامه

۴-۲. شگردهای شاعرانه

سراینده در توصیف موضوعات وصف از شگردهای شاعرانه چون تشبیه و استعاره بهره برده چراکه یکی از راه‌های توصیف، استفاده از ابزارهای تصویر آفرینی است. این ابزار شاعر را یاری می‌کند تا توصیف پیش چشم خواننده تجسم یابد.

۴-۲-۱. تشبیه:

تشبیه یکی از بنیادی‌ترین مباحث در علم بیان و از عناصر بسیار مهم زیبایی سخن است که در وصف‌های کوش نامه بیش از هر ابزار بیانی دیگر استفاده شده است. بیشتر تشبیهات این منظومه رنگ و بوی حماسی دارد و مشبه‌به‌ها غالباً سلاح‌های جنگی مثل تیغ و کمان و یا حیواناتی مثل شیر و ببر و پلنگ و یا عناصر طبیعت چون آفتاب و آتش است. با نگاه به تشبیهات به کاررفته در اثر مذکور می‌توان گفت که سراینده اصل مهم تناسب تصاویر با موضوع را رعایت کرده است. حال به نمونه‌هایی از انواع تشبیه در منظومه کوش نامه می‌پردازیم.

۴-۲-۱-۱. تشبیه از جهت وجود یا عدم وجود ادات تشبیه

الف. تشبیه مرسل:

در منظومه پهلوانی کوش نامه این نوع تشبیه دارای بیشترین بسامد است. در تشبیه مرسل، شاعر ادات تشبیه را ذکر می‌کند. شاعر با بهره گرفتن از این نوع تشبیه، هم به حرکت و پویایی توصیفات یاری

می‌رساند و هم لحن حماسی داستان را محسوس‌تر می‌کند. ابیات زیر نمونه‌هایی از کاربرد تشبیه مرسل در منظومه موردپژوهش است:

سرینها چو گور و میانها	چو سروند اگر ماه تابد
چو غرو	ز سرو
سپیدی چو برف و سیاهی چو	گل اندام هم چون گل اندر
غار	بهار

(همان: ۵۹۹)

ویژگی برجسته این توصیف، کاربرد پی‌درپی تکنیک تشبیه در آن است. راوی - شاعر همانندی شخصیت مورد نظر خود را با عناصر طبیعی گره‌زده و طبیعت جاندار و بی‌جان را به خدمت گرفته است تا عینیت بیشتری به توصیفات خود ببخشد. تشبیه موضوع وصف به عناصر طبیعت چون سرو و گل و برف و غار بر زیبایی توصیف افزوده و وجود ادات تشبیه، توصیفی زنده و همراه با حرکت و جنبش را باعث شده است. به سبب مردانه بودن جهان حماسه، خواننده با دقت در این توصیفات درمی‌یابد که بدن زیبا کاملاً متناسب با نیازها، علایق و نظام ارزشی مردانه ساخته شده؛ به همین جهت این بدن زیبای و سوسه‌انگیز، ساخته و پرداخته اوست. همچنان که ملاحظه می‌شود ساده و زودیاب بودن این توصیف، تزامنی برای درک معنا و مفهوم موضوع اصلی ایجاد نکرده است و خواننده را درگیر پیچیدگی عناصر سازنده توصیف از رهگذر توصیف‌های پی‌درپی نمی‌کند.

یکی از ویژگی‌های توصیف‌های کوش‌نامه برقراری تعادل در آن‌هاست؛ به این معنی که خواننده در این منظومه پهلوانی با انبوه تشبیهات روبه‌رو نیست و در اغلب ابیاتش از یک تشبیه یا استعاره استفاده نکرده است زیرا همه توصیفات کوش‌نامه همگام با عنصر حماسه و در خدمت اهداف حماسه است و آن را وسیله‌ای برای القای معانی ذهنی خود می‌داند نه تزئین کلام.

۲-۱-۲-۴. تشبیه به اعتبار وجه شبه

الف. تشبیه مفصل:

از نظر تئوری ادبیات، تشبیه مجمل از مفصل بهتر است اما چون کوش‌نامه اثری حماسی است و حماسه محصول روزگارانی است که هنوز ذهنیت انسان پیچیدگی نیافته و او از عالم محسوسات فاصله نگرفته است از این‌رو در اثر مذکور، تشبیه مفصل نسبت به تشبیه مجمل و بلیغ بیشترین بسامد را

دارد. تشبیه مفصل تشبیهی است که در آن وجه شبه ذکر می‌شود. ترمیم عناصر و اجزای توصیفات در قالب تشبیه مفصل در کوش نامه، همراه با نوعی تحرک و جنبش است. برای نمونه:

بنالید بر شاخ گل	چو مرد مسیحا ز پیش
عندلیب	صلیب
شده باغ طیهور	بهم در شده خیزران و
طاووس رنگ	خندنگ
بسان دو عاشق رسیده	ز رنج جدایی
بهم	کشیده ستم

(همان: ۳۴۹)

در این ابیات شاعر نغمه‌سرای بلبل را بر شاخ گل به نالیدن مردی مسیحی در هنگام عبادت و در هم‌شدگی گیاهان را مانند دو عاشق به وصال رسیده با ذکر وجه شبه و ادات تشبیه به یکدیگر مانند کرده است. سراینده ضمن حفظ لحن حماسی، جنبه غنایی وصف را به زیبایی در نظر خواننده مجسم ساخته و از ترکیب مجموع اجزای کلام، توصیفی را به وجود آورده است که بیان‌گر قدرت تخیل اوست. در ابیات فوق با استفاده از توصیفات پی‌درپی و با بهره‌گیری از اغراق به زبان تشبیه، اعتدال را به کار گرفته تا پیام و معنی اصل شعر در میان توصیفات پیوسته، گم نشود. در توصیف باغ، دقت در جزئیات توصیف را فدای وحدت شعر حماسی نمی‌کند و هرچند که سروده حالت غنایی به خود گرفته اما سخت درخور شعر حماسی است.

ب. تشبیه بلیغ

این نوع تشبیه، تشبیه عالی و رساست به‌گونه‌ای که تشبیه به استعاره نزدیک می‌شود که با حذف ادات و وجه شبه، خواننده از یاد می‌برد که با تشبیه روبه‌رو است. تشبیه بلیغ به دو گونه اضافی و غیر اضافی به کار می‌رود که اغراق در بلیغ غیر اضافی به اوج می‌رسد. در این منظومه، تشبیه بلیغ نسبت به تشبیه مفصل و مجمل کمترین بسامد را دارد. در مصراع اول بیت زیر، توصیف که با تشبیه بلیغ غیر اضافی نمود یافته، شاعر اغراق را نیز مدنظر داشته است:

ستاره اش سپاه است و	بر او شاه گیتی چو
تختش سپهر	تابنده مهر

(همان: ۳۹۸)

سپاه ضحاک در انبوهی، چون ستاره سپهر و تخت پادشاهی او در گستردگی چون سپهر است: از آنجا که حیرت آفرینی یکی از ویژگی‌های عمده تشبیه است، بزرگ‌نمایی سبب شگفتی تشبیه در این بیت شده است. اجزای ایجادکننده این اغراق‌ها عوامل شکوهمند طبیعت یعنی ستاره و سپهر است که سبب گشته تا به کمک نیروی تخیل، رنگ حماسی داشته باشد.

در میان داستان، ایرانشان گریزی به مدح ممدوح خویش می‌زند. خشم و بخشش شاه را در قالب تشبیه بلیغ اضافی به شمشیر مانند می‌کند:

جهان بستدی تو ز	به شمشیر خشم و به
دست بدان	رای روان
مرا نیز بستان ز	به شمشیر بخشش
دست نیاز	تویی سرفراز

(همان: ۴۴۱)

خشم و بخشش شاه چون شمشیری است که اولی، بدی را از جهان می‌ستاند و دومی دست نیاز نیازمند می‌گیرد تا به بی‌نیازی دست یازد. تشبیه دو امر انتزاعی به یک امر عینی و ملموس سبب شده است تا توصیف، عینی و واقعی جلوه داده شود. خشم و بخشش چون شمشیر برانند پس برندگی آن‌ها، هیبتشان را جلوه‌گر می‌سازد. مسلماً قدرت ترکیب و تلفیق حروف و کلمات، صلابت و استواری ممدوح شاعر را نیز القا می‌کند که گویی بر اثر دریافت واقعی چنین ترکیب تشبیهی، لحن متناسب با آن آفریده شده است. از سویی ذکر حروف متوالی در کلمات سبب می‌شود تا یکنواختی از متن کلام گرفته شود چنانکه در ابیات فوق تکرار حرف «ش» و «س» جالب توجه است.

۳-۲-۱-۴. تشبیه به اعتبار محسوس یا معقول بودن طرفین

الف. تشبیه محسوس به محسوس:

بدیهی‌ترین نوع تشبیه، تشبیه حسی است. در منظومه کوش نامه نیز که شاعر دست به توصیفات متعدد زده اکثر تشبیهات از نوع حسی به حسی است و این امر نشان می‌دهد که وصف در منظومه مذکور در پیشبرد داستان نقش مؤثری دارد.

در توصیف زیر شاعر با استفاده از عنصر خیالی تشبیه حسی که اجزای آن از پدیده‌های طبیعی گرفته شده، موصوف را بایبانی اغراق‌آمیز در نظر خواننده مجسم می‌کند. سپاه آبتین را به سنگ و ستاره که در حوض زمین بی‌شمار و در اوج فلک دست‌نیافتنی‌اند، تشبیه می‌کند و شاه را به خورشیدی مانند می‌کند که با تالالو نور خویش، هیچ چیز از دید او پنهان نمی‌ماند. راز گیرایی و زیبایی تشبیه در این بیت، آمیختگی آن با اغراق و دیگر صنایع ادبی مثل مراعات‌النظیر است که ارزش هنری خاصی پیدا کرده است.

و گر بر هوا چون ستاره	به دریا اگر سنگ خاره
شوید	شوید
که خورشید سان است شاه	ز خورشید نتوان شدن
جهان	کس نهان

(همان: ۲۱۰)

ب. تشبیه محسوس به معقول:

در تشبیه محسوس به معقول، امور مادی، صبغه عقلانی و نفسانی به خود می‌گیرد. به علت پیچیدگی و غرابت حوادث در کوش‌نامه، سراینده در بیان خویش، صراحت و روشنی را اساس کار قرار می‌دهد تا پیام به‌وضوح به خواننده منتقل شود و «ذهن خواننده نیز متوجه عمق حادثه گردد و در پیچ‌وخم‌های تصاویر انتزاعی گم‌نگردد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۴۵۲). از این روی این نوع تشبیه در اثر مذکور دارای بسامد کمتری است.

در بیت زیر، شاعر، دختری از تبار پیل‌گوشان را به دو امر انتزاعی جان و هوش تشبیه می‌کند که شاید قصد سراینده از کاربرد چنین تشبیهی، پیوند دادن دختر به موجودی ماورایی است که قابل‌سنجش با معیارهای مادی نیست. از همین روی، گوینده در انتخاب مشبه‌به از امور غیرمادی بهره برده است.

از ایشان یکی دختری	به خوشی چو جان و به پاکی چو
یافت کوش	هوش

(همان: ۲۰۲)

ج. تشبیه معقول به محسوس:

ویژگی این نوع تشبیه، محسوس کردن امور عقلانی است که سبب می‌شود درک آن برای همگان، ملموس‌تر گردد. در مقایسه با دو نوع پیشین، این نوع تشبیه در کوش‌نامه دارای کم‌ترین بسامد است. قصد شاعر از کاربرد چنین تشبیهی، مادی کردن توصیفات است که سبب شده تا معانی انتزاعی در جامه اشیای مادی، محسوس و ملموس شود. برای نمونه، در بیت زیر روان‌که امری انتزاعی است به پیشه مانند شده است. سراینده، این تشبیه انتزاعی را به مناسبت برای نشان دادن درهم‌آمیختگی روان فریدون آورده است:

همه شب به دریای روانش ز اندیشه چون
اندیشه بود بیشه بود

(همان: ۳۳۱)

یا در جای دیگر در بیان ویژگی‌های نگارین، سخن و رفتار او را به دو امر حسی شهد و طاووس مانند می‌کند:

سخن شهد و رفتار نگارین همی خواندش
طاووس وار شهریار

(همان: ۵۰۱)

۲-۲-۴. استعاره:

استعاره یکی از ترفندهای شاعرانه است که شاعر به یاری آن به کشف هنری دست می‌یابد. استعاره، جمله تشبیهی است که یک طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) همیشه محذوف است بنابراین «زرف‌ساخت هر استعاره‌ای یک جمله تشبیهی است» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۴۲). برخی از منتقدان معتقدند که «حماسه جای استعاره و حتی در مواردی تشبیه نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۸۴). نظر برخی دیگر این است که «برای حماسه در سطح ادبی از همه مهم‌تر، استعاره است» (شمیسا، ۱۰۴، ۱۳۸۳). آنچه مسلم است سراینده در کوش‌نامه و به‌ویژه در توصیفات از استعاره یاری جسته است اما این به معنی انحراف‌گوینده از موضوع اصلی حماسه نیست چراکه استعاره‌های پیچیده و دیرپاب با ماهیت حماسه هم‌خوانی ندارد از همین روی سادگی و روشنی سخن در حماسه، جنبه اصلی و اساسی است.

کاربرد استعاره نسبت به تشبیه در بررسی توصیفات کوش‌نامه کمتر است. عناصر این استعاره‌ها بیشتر عناصری مادی و ملموس است که کشف روابط میان اجزای آن روشن و ساده است. ایرانشان در توصیفات خویش از استعاره مصرحه و مکنیه بهره برده است. در کاربرد استعاره‌های مصرحه در کوش‌نامه می‌توان استعاره‌هایی را دید که حالت تکراری دارند و بر اثر صراحت و روشنی، خواننده برای کشف معنی مجازی نیاز به فعالیت ذهنی ندارد.

ز شنگرف بر عاج کرده	به فندق گل سرخ کرده
نگار	فگار
گرفته همه مشک	فکنده همه شاخ
تبت سرای	سنبل زپای

(همان: ۲۱۷)

در این ابیات واژه‌هایی چون فندق، گل سرخ، شنگرف، عاج، شاخ سنبل، همه استعاره‌هایی هستند که بر اثر کاربرد مستمر، تکراری می‌باشند و دریافت آن، چنان آسان است که ذهن به تلاش بسیار نیاز ندارد.

ز قدش همی سرو نو	نپیوسته با گل بنفشه
گشت کوز	هنوز

(همان: ۲۰۹)

در بیت بالا، گل استعاره از چهره و بنفشه استعاره از موی تازه‌رسته بر چهره است؛ هرچند شاعر در نهایت ایجاز و به زیبایی از این مقصد ذهنی خویش از دو امر محسوس استفاده کرده است اما استفاده مکرر از چنین واژه‌هایی در قالب استعاره از قدرت انگیزش و تأثیر بخشی آن‌ها می‌کاهد. از دیگر ویژگی‌های استعاره‌های موجود در توصیفات کوش‌نامه، کاربرد استعاره‌هایی است که موضوع وصف در آغاز تشبیهی است که ذهن پس از دریافت روابط میان دوسوی تشبیه، به صورت خیال شاعرانه‌ای که رنگ تشبیه دارد خلاصه می‌شود و به‌گونه‌ای استعاره درمی‌آید. در این‌گونه استعاره‌ها بنا بر اقتضای سخن و شباهت غالب میان پدیده‌های توصیفی به‌آسانی می‌توان معنی مجازی آن را دریافت؛ مانند این ابیات که در بیت اول آبتین به شیر تشبیه شده و در بیت دوم شیر استعاره از آبتین است:

نخست از بر زین چو	به یک دست تیغ و کمر
شیرژیان	بر میان
به پاسخ چنین گفت	که از مرگ هرگز
شیر دلیر	نترسید شیر

(همان: ۲۵۲)

در این اثر حماسی، استعاره مکنیه نیز کاربرد دارد. در این نوع استعاره مشبه ذکر می‌شود و مشبه به محذوف است و این مشبه به محذوف در اکثر موارد انسان است و از این روی بنیاد استعاره کنایی را بر انسان‌وارگی و جاندار گزایی دانسته‌اند. این نوع استعاره در اصطلاح غربیان پرسونیفیکاسیون است که در فارسی به تشخیص ترجمه شده است. شاعر از این شگرد در جهت توصیف، هم در عینیت بخشیدن به امر ذهنی تلاش می‌کند و هم در شاعرانه کردن امر عینی وصف. در بیت زیر، جنگاوران، کوش پیل دندان را چنین توصیف می‌کنند:

نه با اسب او اسب	بپرد روان چون خروشد
جوشد همی	همی

(همان: ۲۲۶)

شاعر به کمک استعاره مکنیه یا تشخیص، روان را به‌عنوان یک امر انتزاعی و ذهنی، به موجودی جاندار تشبیه کرده است. در آیین‌های کهن، جان را مرغی می‌دانسته‌اند که چون از دام بپرد، به سوی آسمان پر می‌گشاید که این موضوع یعنی ارتباط جان با مرغ در ادب فارسی به کرات به آن پرداخته شده است. منظور گوینده از بیان چنین سخنی عینی کردن امری ذهنی است. در بیت زیر خفتگی و بیداری بخت، باوری باستانی است. در افسانه‌ها، بخت موجود زنده‌ای فرض شده که پهلوان برای بیدار کردن او از خواب و رهانیدن کسی از تیره‌روزی به نهانگاهش می‌شتافته است. سراینده با استفاده از شگرد تشخیص، امر ذهنی را عینی کرده و ممثل ساخته است:

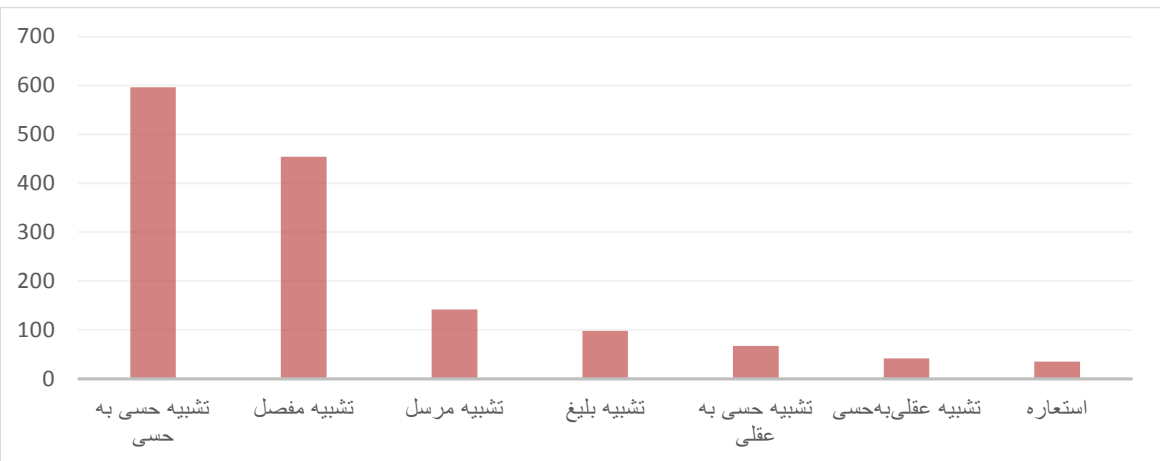
مگر کآسمانی بود	بخوابد سر بخت
کار ما	بیدار ما

(همان: ۲۲۱)

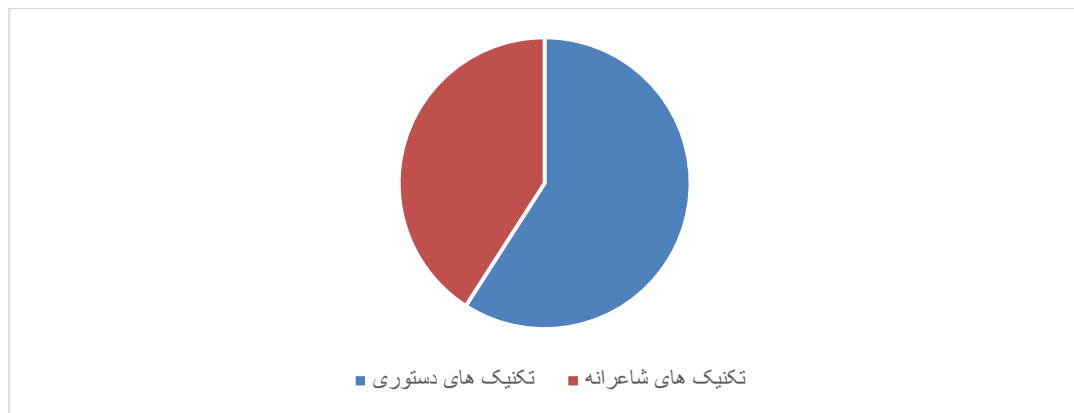
در نمونه زیر، شاعر توصیفی شاعرانه از برآمدن خورشید به دست داده است. تصویری که او ساخته، هماهنگ و همراه و متناسب با داستان است. گویا که خورشید می‌خواهد در آن رزم وارد شود و به جنگ پردازد. در مثال اخیر خورشید به سوارکاری ماهر مانند گشته که به سوی شاهنگ حمله می‌کند. همان‌گونه که سوارکار در تاخت‌وتاز، میدان نبرد را درمی‌نوردد خورشید هم گویی در میدان فلک می‌تازد تا بر تاریکی غالب آید.

چو خورشید رزم سپیده دم از کینه
شاهنگ کرد آهنگ کرد

(همان: ۶۲۵)



نمودار شماره سه: میزان کاربرد شگردهای شاعرانه توصیف در منظومه کوش نامه



نمودار شماره چهار: میزان کاربرد شگردهای دستوری نسبت به شگردهای شاعرانه در منظومه کوش نامه

۵. نتیجه:

توصیف در کوش نامه در خدمت بیان موضوع حماسی بوده و گوینده هیچ‌گاه اصل اعتدال و تناسب را فدای توصیفات موجود در اثر خود نکرده است. موضوعات دسته‌بندی و بررسی شده او همگام با عنصر حماسه و هدف‌های منظومه حماسی است. می‌توان گفت توصیفات در کوش نامه متناسب با حالات و روحيات پهلوانان و صحنه‌های رویداد حوادث است که این موضوع دلیلی است بر این‌که توصیف موضوعات در این منظومه هماهنگی و هم‌خوانی نزدیک با داستان دارد. در این منظومه موضوعات گوناگونی چون شخصیت‌های مختلف شعری مانند زنان، پهلوانان و شاهان، اشیاء، عناصر طبیعت، میدان‌های رزم، امور انتزاعی، مکان و زمان توصیف شده است. در کوش نامه آنجا که سخن از احساس و عاطفه است توصیفات رنگ‌غنایی می‌گیرد که البته از چارچوب شعر حماسی عدول نمی‌کند. شاعر برای بیان توصیف این موضوعات از شگردهای مختلف دستوری و شاعرانه استفاده کرده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بسامد شگردهای دستوری بیشتر از شگردهای شاعرانه و از میان شگردهای دستوری بسامد صفت و مسند صفتی بیشتر است. تشبیه به‌عنوان یکی از شگردهای شاعرانه بیشترین بسامد را داراست. از ویژگی‌های وصفی دیگر در این منظومه، کاربرد چند شگرد وصفی در توصیف یک موضوع واحد است. استفاده چند شگرد متوالی در توصیف موضوعات مختلف نیز از

دیگر شگردهای سراینده است. استفاده هم‌زمان شگردهای دستوری و شاعرانه در توصیف یک موضوع از دیگر ویژگی‌های وصفی داستان‌سرا است.

سراینده از تشبیهات عقلی به عقلی بهره نگرفته زیرا باروح حماسه هم‌خوانی ندارد. کاربردهای ابزارهای بلاغی در کوش‌نامه ساده و به‌دوراز پیچیدگی است و کاربرد تشبیهات محسوس به محسوس برای ملموس و عینی کردن توصیفات از شگردهای شاعرانه بیشتر است و می‌توان گفت اثر خویش را با زبان معیار حماسی منطبق کرده و توانسته است با استفاده از روایات پهلوانی و ملی و قبولاندن اثر خود به‌عنوان منظومه حماسی ملی، در پیروی از شاهنامه فردوسی توفیق یابد.

منابع

الف: کتاب‌ها

۱. ایرانشان ابن ابی‌الخیر، (۱۳۷۷)، کوش‌نامه، به کوشش دکتر جلال متینی، تهران، علمی.
۲. بیشاب، لئونارد، (۱۳۷۴)، درس‌هایی درباره داستان‌نویسی، ترجمه محسن سلیمانی، تهران، زلال.
۳. حمیدیان، سعید، (۱۳۸۳)، درآمدی براندیشه فردوسی، تهران، ناهید.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۵. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۷)، ارسطو و فن شعر، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶. _____، (۱۳۷۹)، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، تهران، علمی.
۷. سرامی، قدمعلی، (۱۳۷۸)، از رنگ گل تارنج خار، تهران، علمی و فرهنگی.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه.
۹. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، انواع ادبی، فردوس، تهران.
۱۰. _____، (۱۳۷۱)، بیان، تهران، فردوس.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۹)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۲. عسکری، ابوهلال، (۱۳۷۱)، الصناعتین، تحقیق علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر.
۱۳. قیروانی، ابوالحسن بن رشیق، (۱۹۶۳. م)، العمده فی صناعه الشعر و نقده، ۲ ج، مطبعه امی هندیه: مصر.
۱۴. مختاری، محمد، (۱۳۶۸)، حماسه در راز و رمز ملی، تهران، قطره.

۱۵. مؤتمن، زین‌العابدین، (۱۳۶۴)، شعردرادب فارسی، تهران، زرین.
۱۶. ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی، توس، تهران.
۱۷. هوارد، می‌یر، (۱۳۸۴)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان مرادآبادی، رهنما، تهران.

ب مقالات

۱. ذوالفقاری، محسن، دهرامی، مهدی، (۱۳۸۹)، وصف و جایگاه زیبایی شناخت آن در شعر خاقانی، ادبیات تعلیمی، شماره ۸، صص ۱۳۷-۱۶۱.
۲. رضوانیان، قدسیه، احمد احمدی شیخ‌لر، (۱۳۹۶)، «توصیف در داستان رستم و سهراب»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره، شماره ۴۴، صص ۱-۳۳.
۳. شهبازی، اصغر، مهدی ملک ثابت، (۱۳۹۱)، «الگوی بررسی زبان حماسی»، تهران، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴، صص ۱۴۳-۱۷۹.
۴. عقدايي، تورج، (۱۳۹۴)، «بلاغت وصف در داستان سیاوش»، نشریه زیبایی‌شناسی ادبی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، دوره ۵، شماره ۲۵، صص ۹-۴۴.
۵. فتوحی رود معجنى، محمود، (۱۳۸۴)، «تصویر کلاسیک»، فصلنامه هنر، شماره ۶۴، صص ۲۲-۴۳.
۶. کریم زاده شوشتری نژاد، زهرا، کاظم مهتدیانی، محمدکاظم کهدویی، (۱۳۹۹)، «وصف در خداوند نامه صباى کاشانى»، فصلنامه علمی کاوش نامه، دوره، شماره ۴۶، صص ۹-۳۳.

Resources

A: Books

۱. Askari, Abu Hilal, (۱۹۹۲), Al-Sanatin, Research of Ali Muhammad al-Bajawi, and Muhammad Abolfazl Ibrahim, Egypt.
۲. Bishop, Leonard, (۱۹۹۵), Lessons on Fiction, Translated by Mohsen Soleimani, Tehran, Zolal.
- ۳ Dehkhoda, Ali Akbar, (۱۹۹۸), Dictionary, Tehran, University of Tehran..
۴. . Hamidian, Saeed, (۲۰۰۴), An Income on Ferdowsi's Thought, Tehran, Nahid
۵. Howard, Meyer, (۲۰۰۵), Descriptive culture of literary terms, Translated by Saeed Sebzian Moradabadi, Rahnama, Tehran.

۶. Iranshan Ibn Abi al-Khair, (۱۹۹۸), *Kushnameh*, by Dr. Jalal Matini, Tehran, Elmi.
 ۷. Mokhtari, Mohammad, (۱۹۸۹), *Epic in National Mystery*, Tehran, Drop.
 ۸. Motamen, Zein al-Abidine, (۱۹۸۵), *Poetry in Persian Literature*, Tehran, Zarin.
 ۹. Natel Khanlari, Parviz, (۱۹۹۸), *Persian Grammar*, Toos, Tehran.
 ۱۰. Qairwani, Abu al-Hasan b. Rashiq, (۱۹۶۳.M), *Al-Amnda fi Sanaa al-Shaar and Naqadeh*, ۲j, Amy Hendaya's Office: Egypt.
 ۱۱. Safa, Zabihollah, (۲۰۰۰), *Epic in Iran*, Tehran, Amir Kabir.
 ۱۲. Sarami, Ghadam Ali, (۱۹۹۹) *From the color of the flower to the suffering of thorns*, Tehran, Scientific and Cultural.
 - ۱۳.. Shafiee Kadkani, Mohammad Reza, (۲۰۰۶) *Imaginary figures in Persian Poetry*, Tehran, Danesh.
 - ۱۴ Shamisa, Cyrus, (۱۹۹۲), *expression*, Tehran, Ferdows.
 ۱۵. _____, (۲۰۰۴), *Literary Types*, Ferdows, Tehran.
 ۱۶. ZarrinKoob, Abdolhossein, (۲۰۰۸), *Aristotle & poet Technique*, Amir Kabir Publishing Institute, Tehran
 ۱۷. _____, (۲۰۰۰), *Poetry lies, poetry unmask*, Tehran, Elmi.
- B) Articles*
۱. Aqdaei, Turaj, (۲۰۱۵), "Rhetoric described in The Story of Siavash", *Journal of Literary Aesthetics*, Islamic Azad University, Arak, Volume ۵, No. ۲۵, pp. ۹-۴۴.
 ۲. Fotouhi Rud Majani, Mahmoud (۲۰۰۵), "Classic Image", *Art Quarterly*, No. ۶۴, pp. ۲۲-۴۳.
 ۳. Karimzadeh Shooshtarinejad, Zahra, Kazem Mohtadiani, Mohammad Kazem Kahdouei, (۲۰۲۰), "Description in khoday name Saba Kashani", *Scientific Journal of Kavoshnameh*, Volume ۲۱, No. ۴۶, pp. ۹-۳۳.
 ۴. Rezvanian, Ghodsieh, Ahmad Ahmadi Sheikhlar, (۲۰۱۷), "Description in the Story of Rostam and Sohrab", *Scientific-Research Quarterly of Persian Language and Literature Research*, Volume, No. ۴۴, pp. ۱-۳۳.
 ۵. Shahbazi, Asghar, Mehdi Malek Sabet, (۲۰۱۲), "Pattern of epic language study", *Tehran, Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research*, No. ۲۴, pp. ۱۴۳-۱۷۹
 ۶. Zolfaghari, Mohsen, Dehrami, Mehdi, (۲۰۱۰), "Description and Beautiful Place of Its Recognition in Khaghani's Poetry", *Educational Literature*, No. ۸, pp. ۱۳۷-۱۶۱.